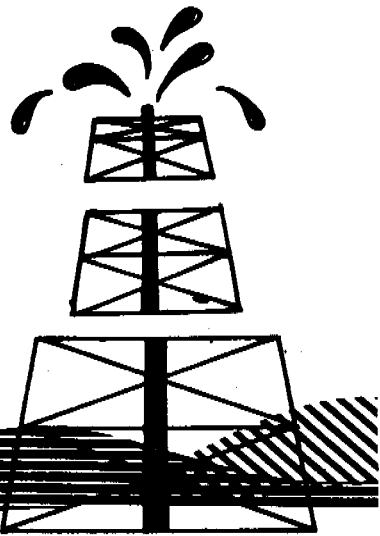


تحولات قیمت نفت



دوسالهای اخیر

● دکتر طهماسب دولتشاهی

اروپای غربی از هر دلاری که برای مصرف گازوئیل پرداخت می‌شد حدود ۵۲ درصد آن مالیات، ۱۷ درصد مخارج و سود شرکتهای بزرگ بوده و فقط ۳۱ درصد آن به اوپک تعلق می‌گرفت (۱). از طرف دیگر چون سودآور شدن سرمایه‌گذاری در اکتشاف منابع جدید نفتی و همچنین در سایر منابع انرژی مستلزم افزایش قیمت نفت به میزان معینی بود، دول کشورهای مصرف‌کننده صنعتی به این دلیل از افزایش قیمت نفت مسرور بودند و خود در این رابطه نیز نقش مؤثری داشتند. آمارهای منتشره نشان می‌دهد که چگونه میزان عرضه نفت کشورهای غیر اوپک با افزایش قیمت نفت رو به افزایش گذاشته است و عرضه نفت کشورهای غیر اوپک در سال ۱۹۸۱ از عرضه نفت کشورهای اوپک بیشتر شده است (۲).

از زمانی که اوپک در سال ۱۹۶۰ بمنظور حفظ منافع کشورهای تولیدکننده نفت تشکیل گردید آماج دسیسه‌ها و حملات شرکت‌های نفتی و کشورهای صنعتی مصرف‌کننده نفت بود. افزایش قیمت نفت در طول سالهای گذشته خاصه در بین سالهای ۷۴-۱۹۷۳ و ۷۹-۱۹۷۸ که در نهایت به نفع شرکت‌های نفتی نیز خاتمه پیدا کرد، باعث افزایش درآمد ارزی کشورهای عضو اوپک از ۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۲۷۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ شده و خشم کشورهای مصرف‌کننده را برانگیخت تا آنجا که در سال ۱۹۷۴ جهت مقابله با اوپک اقدام به تاسیس آژانس بین‌المللی انرژی نمودند. اصولاً "کشورهای صنعتی قبل از گران شدن قیمت نفت خود با وضع مالیاتهای سنگین بر نفت و مشتقات مربوطه موجب گران شدن آن بودند. مثلاً" در سال ۱۹۸۰ در

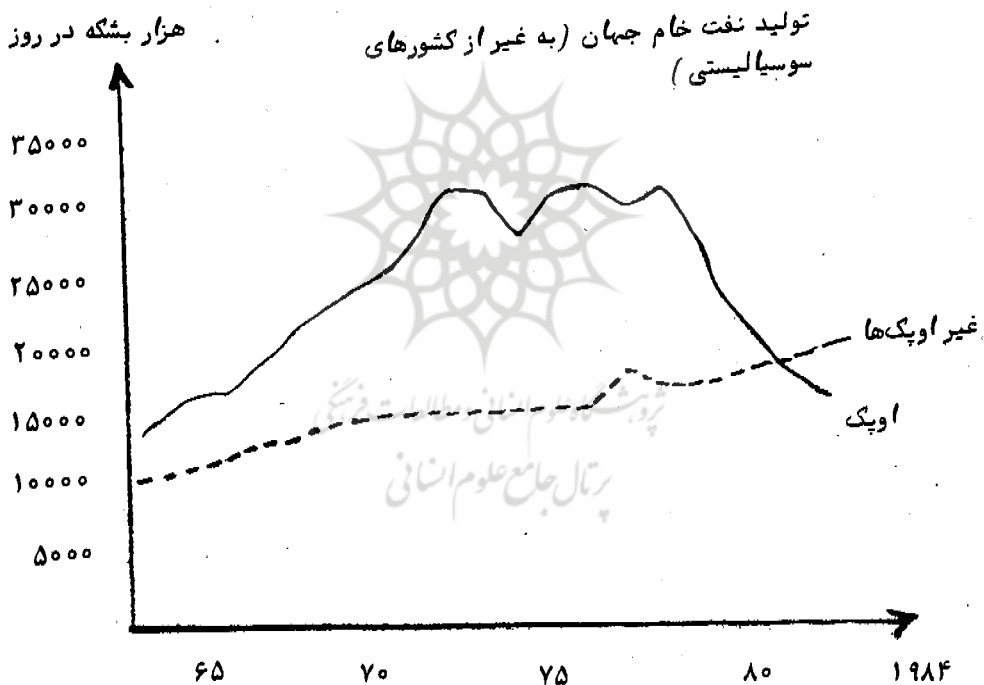
1. OPEC BULLETIN, MAY 1983, P. 8-9

(۲) تیزهوش، م - م. علل تغییرات قیمت نفت، مجله اقتصادی (از انتشارات وزارت امور اقتصادی و دارائی، خرداد ماه ۱۳۶۵) صفحه ۷.

تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۸۳ شرکت ملی نفت انگلیس بطور یک جانبه قیمت نفت دریای شمال را به میزان ۳ دلار در هر بشکه کاهش داد و قیمت نفت از ۳۳/۵۰ به ۳۰/۵ دلار برای هر بشکه کاهش پیدا کرد. دولت انگلیس پارا از این هم فراتر گذارده و اعلام کرد چنانچه کشورهای عضو اوپک قیمت نفت از ۳۴ دلار به ۲۹ دلار برای هر بشکه کاهش دهند به کاهش شدیدتر قیمت نفت خود اقدام خواهد کرد. بالاخره بر اثر فشارهای وارده به برخی از اعضا اوپک، قیمت نفت کشورهای عضو سازمان مذکور به میزان ۵ دلار برای هر بشکه کاهش پیدا کرد.

از طرف دیگر وجود برنامه های هم آهنگ کشورهای صنعتی باعث شد که مصرف نفت جهان از ۶۴/۴ به ۵۸/۶ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا کند. باید توجه کرد که در این مدت وابستگی کشورهای در حال توسعه و کشورهای عضو اوپک به دلیل اجرای برنامه های توسعه، به نفت افزایش یافته و مصرف نفت در آنها افزایش پیدا کرده است.

اتخاذ سیاست های کاهش وابستگی به نفت و وجود سایر منابع انرژی از قبیل انرژی اتمی، خورشیدی، آبی و بیوالکل زمینه را برای کاهش قیمت نفت آماده کرده بود. در



بطوری که در نمودار ملاحظه می کنید عرضه نفت کشورهای اوپک از سال ۱۹۶۰ روبه افزایش گذاشته و عرضه نفت اوپک از سال ۱۹۷۷ به بعد سریعاً "کاهش پیدا کرده است."

تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۸۵ کشورهای آفریقایی عضو اوپک در اجلاسی که نیجریه نیز در آن حضور داشت در الجزایر اقدام به صدور بیانیه‌ای کرد و قیمت نفت را غیر واقعی تلقی کردند (۴).

متعاقب اقدامات یک جانبه کشورهای تروژ انگلستان و نیجریه بار دیگر اوپک دستخوش بحران جدیدی گردید. وزرای اوپک در تاریخ ۳۱ اکتبر سال ۱۹۸۵ در اجلاس خود تصمیم به محدود کردن سهمیه اوپک به ۱۶ میلیون بشکه در روز گرفتند. در اجلاس مذکور توافقی در مورد سهمیه تولید کشورهای عضو به عمل نیامد. کشور عراق در اجلاس یاد شده شدیداً با کاهش سهمیه تولید نفت خود مخالفت کرد (۵).

بدین ترتیب بار دیگر کشورهای عضو اوپک احباراً " قیمت نفت صادراتی خود را کاهش دادند. دلایل کاهش قیمت نفت را در سال ۱۹۸۵ می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف - کاهش تقاضا در سطح بین‌المللی در مقایسه با عرضه نفت. مصرف نفت در سال ۱۹۸۵ در مقایسه با سالهای قبل آن به طور عمومی کاهش یافته بود. از طرف دیگر عرضه نفت جهانی با توجه به تولید روزافزون نفت دریای شمال افزایش پیدا کرده بود.

ب - وجود عوامل محافظه کار در تعدادی از کشورهای عمده نفت خیز، دلیل دیگر کاهش قیمت نفت می‌باشد. عوامل مذکور که بیش از همه در کشور عربستان سعودی وجود دارند بخاطر دارا بودن موجودی‌های دلاری در

یکی از دلایل مهم در کاهش قیمت نفت اوپک وجود برخی از کشورهای طرفدار غرب در آن می‌باشد که نمونه بارز آن عربستان سعودی است. این کشور عملاً " با سیاست‌های غرب همراهی می‌کند و با وجود عدم نیاز واقعی به صدور نفت به میزان سهمیه خود در اوپک در جهت تشبیت قیمت نفت برمی‌گردد. بعد از گذشت مدتی قریب دو سال مجدداً در سال ۱۹۸۵ توطئه دیگری توسط کشورهای صنعتی مصرف‌کننده نفت در جریان تحقق بود. این بار نیز زمینه از قبل کاملاً مهیا شده بود. مصرف انرژی از سال ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۷۴ در سطح بین‌الملل ۴ درصد افزایش داشت ولی از سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۸۴ مصرف این ماده حیاتی ۱۲ درصد کاهش داده شده بود. گذشته از این در دهه مذکور استفاده از سایر منابع انرژی از قبیل گاز طبیعی ذغال سنگ، انرژی آبی و انرژی اتمی به طور قابل ملاحظه‌ای نیز افزایش داده شده بود (۳).

در ۱۵ اکتبر سال ۱۹۸۵ نروژ که میزان تولید نفت آن فقط ۶۹۰ هزار بشکه نفت در روز است برای اجرای توطئه پیشقدم و بطور غافلگیرانه قیمت نفت خام دریای شمال را بین یک تا ۱/۵ دلار در هر بشکه کاهش داد. دولت انگلیس نیز بلافاصله حمایت خود را از این کاهش قیمت اعلام داشت. بدنبال این امر، دولت نیجریه نیز بدون مشورت با اوپک و به دلیل نگرانی از کاهش تقاضا برای نفت، قیمت نفت خود را ۲ دلار برای هر بشکه کاهش داد. جالب این است که در

3. ENERGIE IN PROPILE, SHELL BRIEFING, Nr. 4/1985

4. OPEC BULLETIN, MARCE 1986, P. 5

5. POEC, HANDELSBLATT, 2/2/1365

کشورهای غربی بیشتر برای حفظ ارزش دلار فعالیت می‌کنند و حفظ ارزش موجودیهای دلاری برای آنان بیش از حفظ اتحاد اوپک اهمیت دارد.

ج - دلیل دیگری که برای کاهش قیمت نفت می‌توان ارائه داد توطئه سیاسی سه‌جانبه کشورهای صنعتی اروپا، آمریکا و ژاپن و از سوی دیگر رقابت غیرمنطقی برخی از کشورهای تولیدکننده در افزایش تولید و عرضه نفت می‌باشد.

در اواخر ۱۹۸۵ با کاهش قیمت نفت، مقدار تولید کشورهای اوپک در عوض کاهش، افزایش نیز داشته است. سهمیه‌های تولید نفت در اوپک از طرف کشورهایی چون عراق، نیجریه، و اکوادور رعایت نشده و از طرف دیگر تولید و عرضه نفت کشورهایی دیگری چون عربستان سعودی با وجود عدم احتیاج به ارزش خارجی محدود نگریخته است. عربستان سعودی از ماه اوت تا دسامبر ۱۹۸۵ میزان صادرات نفت خود را به یکباره دو برابر افزایش داد. این کشور با ایجاد سیستم فروش با تخفیف و با قیمتی زیر قیمت پایه سعی داشت که رهبری را در تعیین قیمت نفت در دست بگیرد. بالاخره در تاریخ ۶۵/۲/۳ روزنامه آلمانی زبان فرانکفورتر آگمانه اطلاع داد که قیمت نفت بین ۱۱ تا ۱۴ دلار برای هر بشکه در بازار ثابت مانده است.

یکی از مسائل مهمی که اوپک با آن روبروست کمک به کشورهای در حال توسعه برای جبران

زیان در اثر افزایش قیمت نفت است. کاهش غیرطبیعی قیمت نفت بیش از هر چیز به برنامه‌های توسعه کشورهای اسلامی و جهان سوم که از کمک‌های اوپک استفاده می‌کنند، زیان خواهد رساند. کشورهای مذکور سالیانه کمک‌هایی از صندوق اوپک دریافت می‌دارند. در سال ۱۹۸۴ تعداد ده مؤسسه وابسته به اوپک وجود داشته است که کمک‌های توسعه را اعطاء کرده‌اند. بعد از افزایش قیمت نفت سهم بیشتری از درآمد ناخالص ملی کشورهای عضو به این گونه کمک‌ها اختصاص داده شد. تاکنون کشورهای آسیائی حدود ۶۶ درصد، کشورهای آفریقائی ۲۷ درصد و کشورهای آمریکای لاتین حدود ۷ درصد از کمک‌های مذکور را جذب کرده‌اند. بدیهی است به دلیل کاهش قیمت نفت و کاهش درآمد‌های نفتی کشورهای عضو اوپک، میزان کمک‌های توسعه نیز کاهش خواهد یافت و موجب زیان کشورهای جهان سوم خواهد شد که این خود نیز می‌تواند یکی از دلایل برای توطئه کاهش قیمت نفت اوپک تلقی شود.

اوپک و شرکتهای بین‌المللی نفتی

در جایی که صحبت از اوپک و نفت می‌شود چنانچه از شرکتهای بین‌المللی نفتی سخنی به میان نیاید، نکته‌ای مهم در این مقوله ناگفته مانده است. شرکتهای بین‌المللی نفتی از سال ۱۸۷۰ شروع به فعالیت نمودند (۶). هفت شرکت بزرگ نفتی که به هفت

(۶) راکفلر آمریکائی در سال ۱۸۸۰ شرکت استاندارد اویل را پایه‌گذاری کرد و تا سال ۱۸۹۰ که شرکت رویال داچ تاسیس شد بصورت انحصاری بازار نفت دنیا را در دست داشت.

خواهران موسومند (۵) شرکت آمریکائی و دو شرکت بین‌المللی هلندی و بریتانیائی) از طریق مالکیت خود بر بخش عظیمی از منابع نفت جهان بر صنعت نفت بین‌المللی تسلط داشتند (۷). شرکت‌های مذکور تا دهه ۱۹۷۰ ضمن به یغما بردن نفت دنیا مخصوصاً نفت حوزه خلیج فارس تا آن حد در امور سیاسی و بین‌المللی تجربه داشتند که هیچ واقعه سیاسی یا اقتصادی هراسی در آنها بوجود نمی‌آورد. چون اطمینان داشتند که هیچ واقعه‌ای نخواهد توانست در ارگان قدرت و نفوذ آنها تزلزلی وارد سازد (۸).

سر داوید براون رئیس سابق شرکت شل گفته است که ما پیوسته مجبوریم مراقب جریانهای سیاسی جهان باشیم چون در هر نقطه از دنیا که واقعه‌ای سیاسی بوجود آید با منافع ما تماس پیدا خواهد کرد.

چندی پیش دنیای غرب بعد از مدت‌ها بحث و مجادله تصمیم به تحریم اقتصادی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی گرفت ولی شرکت‌های بین‌المللی نفتی با صدور نفت به کشور مذکور این تصمیم را بدون اثر گذاشتند. شرکت‌های نفتی بین‌المللی تا قبل از افزایش قیمت نفت در سالهای ۷۴-۱۹۷۳ در پی انحلال سازمان اوپک بودند ولی از آن سال به بعد بنظر می‌رسد با کشورهای صادرکننده نفت احساس همزیستی مسالمت‌آمیز دارند. زیرا دریافته‌اند که فعالیتهای اوپک در جهت

افزایش قیمت نفت موجب افزایش سود آنها شده است.

هفت خواهران نفتی از سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۸۰ جمعا ۷۱/۷۷۹ میلیارد دلار سود خالص دریافت داشته‌اند. جدول زیر نشان دهنده سود خالص شرکت‌های مذکور در سال ۱۹۸۲ می‌باشد (به میلیارد دلار):

نام شرکت	سود خالص
اکزون	۴/۹۹
رویال داچ	۲/۷۵۴
ب پی	۰/۸۸۶
موبیل	۱/۵
اسکول	۱/۵۹
گلف	۰/۹۷۸
تکراکو	۱/۲۳

شرکت بی پی در مدت ۶۷ سال بزرگترین عرضه‌کننده و بازاریاب نفت خام ایران بود. دست‌های شرکت مذکور بعد از انقلاب اسلامی از منابع نفتی ایران کوتاه شد (۹).

فعالیت شرکت‌های مذکور در سالهای گذشته در منابع نفتی کشورهای عضو اوپک کم و بیش در رابطه با استخراج نفت کاهش یافته است ولی آنها هنوز هم بازاریابی منابع نفتی اوپک را در دست دارند. سودهایی که شرکت‌های مذکور بدست می‌آورند اغلب برای سرکوب جنبشهای انقلابی در سراسر جهان بکار می‌رود از طرف دیگر این شرکتها باعث می‌شوند که

بقیه در صفحه ۷

انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶، صفحه ۱۳.
 (۹) شرکت‌های بزرگ نفتی پس از انقلاب اسلامی مجموعه برخی گزارشات امور اوپک در روابط بین‌المللی (از انتشارات امور بین‌المللی وزارت نفت) صفحه ۱۰۵.

(۷) مایکل، تانزر، بحران انرژی، مبارزه جهانی برای کسب قدرت و ثروت (ترجمه ریاضی، محمود) تهران، انتشارات امیرکبیر صفحه ۱۰۸.

(۸) سمسون، آنتونی، هفت خواهران نفتی (ترجمه منصور، ذبیح‌الله، تهران،

است، بخوبی در می‌یابیم در شرایط عدم وجود افزایش سریع قیمت‌ها مورد اول به‌عنوان عامل سود دهی برگزیده می‌شود و در شرایط تورمی نقش آن کاهش می‌یابد. در واقع این دو عامل همانند دو کفه ترازو عمل می‌کنند که هر چه یک طرف سنگین‌تر شود از اهمیت طرف دیگر کاسته خواهد شد. بنابراین در شرایط تورمی که تاریخاً "گام به گام بارشد اقتصادی جامعه ما همراه بوده است، هماهنگی و استفاده بهینه از عوامل تولیدی کاهش می‌یابد و فعالیت‌های اقتصادی به مجراهائی سوق می‌یابد که با بهره‌گیری از تورم به سودهای بادآورده و بدون زحمت تکیه نمایند؛ بنابراین هر چه اتکاء بنگاههای اقتصادی به بهره‌گیری از شرایط تورمی افزایش یابد و نتیجتاً "نقش مدیریت در ترکیب و بهره‌گیری سالم از عوامل تولیدی کاهش یابد، نقش مدیریت مالی و استقرار موازین حسابداری نیز کاهش می‌یابد. البته مسلم است که

شرایط تورمی و وجود تورم مزمن در ایران بدون ارتباط با ساختار وابسته اقتصادی آن قابل تبیین نیست. تاثیر تورم جهانی، ارتباط زنجیری واحدهای تولیدی با خارج به جای ارتباط با داخل، وابستگی اقتصاد جامعه به ارز و تعیین کنندگی نفت و ارزهای حاصله در اقتصاد ایران عواملی هستند که تورم را جدا از عوامل داخلی، در جامعه ایجاد می‌نمایند.

حال برای خارج کردن موضوع از انترتاج لازم است که تاثیرات فوق مورد بحث فرار گیرند، چگونگی تاثیر آنها و مکانیسم تاثیر گذاری آنها شناخته شود و عوامل موثر بطور مشخص و تجربه شده بر شمرده شوند. این امر به کاری پی‌گیرانه نیاز دارد. از طرف دیگر طرق تاثیر گذاری "امور مالی" بر این روند بایستی شناسائی شوند و برای رسیدن به این شناختها راهی بجز تکیه بر تجربیات حسابداران نیست.



بقیه از صفحه ۶۰

بنابر این یکی از وظایف اوپک در درجه اول کوتاه کردن دست شرکت‌های بین‌المللی نفتی از صنعت نفت می‌باشد.

نفت و مشتقات آن به میزان گرانتری بدست مصرف‌کنندگان برسد و لذا موجب بدبینی کشورهای مصرف‌کننده نسبت به اوپک می‌شوند.

